



مافا السياسي

www.mafa.world



@Mafa_World



@WWWMAFAWORLD

جنبش جهادي: بحران حاضر و راههاي برون رفت از آن (1 از 3)

بازگشت ارتباط در سايت سياسي مافا

عمليات هك سايت سياسي مافا به شكلي كاملا حرفه اي همچنان ادامه دارد كه هزينه بسيار زيادي براي ما داشته است. هدف اصلي اين عمليات، بخش ارتباط بين سايت و بازديدكنندگان آن بوده است، و قسمت گفتگوها و سوالات را به صورت ويژه مورد حمله قرار داده است.

ناظران سايت توانستند فقط تعداد كمی از سوالات را كه اغلب سرقت شده است، استخراج كنند كه ما در سه جلسه متوالي به آنها پاسخ خواهيم داد. عدم وجود پاسخ براي سوالات به اين معني است كه اين سؤال به سايت نرسیده و يا هك شده است. لذا از شما مي خواهيم كه در صورت امكان سوال خود را مجددا ارسال نماييد.

ناظر سايت سياسي مافا - (ادبيات ممنوعه)

... ..

جنبش جهادی: بحران حاضر و راههای برون رفت از آن (1 از 3)

عناوین این بخش:

- موضع گیری القاعده در مورد صلح بین عربستان سعودی و اسرائیل چیست؟
 - جوانان جنبش جهادی علاقه ای به عادی شدن روابط با اسرائیل ومقابله با نهضت دارند .. چرا؟
 - درمورد دستگیری های داخلی در ادلب ... و پس از سوریه چه اتفاقی خواهد افتاد؟
 - رابطه بین القاعده و ارتش پاکستان چیست؟
 - آیا حمزه بن لادن پیشرفت های جدیدی در عرصه جهادی وارد می کند؟
 - دولت های موافق اسرائیل از انقلابیون شام حمایت می کنند، آیا جنبش های جهادی ابزاری برای برده های صهیونیسم هستند؟
 - اخوان چگونه از مسیر صحیح خارج شد؟ آیا "اخوان المسلمین" سوریه مانند "اخوان المسلمین" مصر هستند؟
 - آیا طالبان خیرات خود را فقط برای امت اسلامی نگه داشته اند؟
- نوشته: مصطفی حامد - ابو ولید مصری

سوال (1) :

موضعگیری القاعده در شامات، یمن و جزیره العرب در مورد صلح بین عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی چیست؟

جواب :

متأسفانه، من هنوز از القاعده یا طرف دیگری درباره این موضوع خطرناک چیزی شنیده ام. چیزی که باید اتفاق بیافتد فقط این نیست که خبر تکذیب شود؛ چرا که ما انتظار نداریم هیچ یک از سازمانهای اسلامی رضایت خود را نسبت به عادی سازی روابط با اسرائیل اعلام کند، بلکه باید موضع عملی القاعده در مورد ورود اسرائیل به کشورهای عربی، به ویژه سرزمین حرمین شریفین مشخص باشد. واقعا نظر آنان چیست؟ ارزیابی سازمان های جهادی در برابر این خطر چیست؟ آیا آنها در برخورد با آن نقش دارند؟ و به چه صورت؟

اما ملاحظه واقعیت باعث ایجاد شک در مورد موضعگیری عملی سازمانهای جهادی در مورد این موضوع میشود. با وجود گذشت چندین ماه از جنبش های کشورهای عربی به صورت عمومی و دولت عربستان سعودی به صورت خاص، هیچ نظر و یا واکنش به آنچه اتفاق می افتد ابراز نشده است.

اما آنچه که در مورد همکاری های نظامی میان القاعده و امارات متحده عربی و عربستان سعودی در یمن پخش شد، هر چند که انکار این خبر به القاعده منسوب شد ولی کافی نبوده و شاید دلیل آن است که اسلام گرایان بدون اطلاع قبلی عملاً همراه با اتحاد نظامی ارتش اسرائیل و عرب (به عبارتی ناتوی عربی که توسط ترامپ تأسیس گشته و هم اکنون برپاست و اتحادی موجود و موثر است اما به دلیل عدم تکمیل قانون اساسی آن به طور رسمی اعلام نشده است.

ظاهراً قرار است در تاریخی که زمان آن مناسب اسرائیل و آمریکا است برای مسلمانان اعلام شود که به احتمال قوی مربوط به تاریخ انتخابات در این دو کشور و وضعیت داخلی و صف آراییی احزاب و گروهها می باشد) صف آراییی کرده است.

سوال (2) :

آیا جزئیات بیشتری در مورد مقاله (از تورابورا تا ابوت آباد) موجود است؟ .

جواب:

من به جز جزئیاتی کم، نتوانستم اطلاعاتی بیشتر از آنچه که منتشر شده است را دریافت کنم.

سوال (3) :

جنابعالی در تبیین موضوع عادی سازی روابط با اسرائیل و پروژه "سد نهضت" تلاش فراوانی نمودید و کتاب فوق العاده ای در مورد جنگ آب و بسیاری مقالات در مورد عادی سازی روابط با صهیونیست و همچنین گفتگوهای فراوانی در سایت منتشر نمودید. اما نسل جدید جنبش های جهادی به موضوع آب و موضوع رابطه با رژیم صهیونیستی علاقه مند نیستند. مشکل کجاست؟ آیا مشکلی در شما وجود دارد یا در آنها؟ آیا هنوز در قله های کوه خوست افغانستان زندگی می کنید یا اینکه جنبش جهادی در کما به سر می برند؟

جواب:

مشکل در همه ماست، به ویژه سازمان های جهادی که از یک کشور به کشوری دیگر و از جنگی به

جنگ دیگر آواره شدند. این جنبش از کمبود بزرگی در فقه، فرهنگ و سازمان دهی رنج می برد و نیازمند یک انقلاب واقعی و جهادی در درون خود و در میان مبارزان است.

بزرگترین و جدی ترین مشکل در پایه های فقهی جنبش است که متأسفانه در حال حاضر بر پایه فقه وهابی عربستان بنیان گذاری شده است. حتی درک کنونی آنان از مفهوم (دولت خلافت اسلامی) که موضوع اساسی آنهاست، یک قدم هم از آنچه که در تاسیس اولین دولت خونین سعود در نجد و حجاز اعمال می شد، تفاوت ندارد.

نسخه "دولت خلافت اسلامی" در عراق و شامات همان نسخه ترجمه شده از حکومت بنی سعود بود که در نهایت بی رحمی نتیجه ای جز به هدر رفتن خون و مال مسلمانان و اتهام آنان به کفر و شرک نداشت که همگی دیدیم اخیراً به چه چیزی تبدیل شده است به حدی که خود مسلمانان این برنامه و درد رنج را به شدت رد کرده اند.

در تصور وهابیت از جهاد برای فقه دینی واقعی، درک درست سیاسی و حتی درک نظامی، جایی وجود ندارد. عملکرد آنان در سوریه و عراق بهترین نمونه این موضوع است. زیرا جنبش جهادی عرب از خارج و به طور خاص از کشورهای حوزه خلیج فارس که وهابیت را تولید می کنند، مدیریت می شود. جایی که پول و فتوای لازم جهت زندگی و بقای این سازمان ها پرداخت می شود که همیشه در راستای تأمین منافع پنتاگون و سیاست های آمریکا است و هیچ رابطه ای با دین یا واقعیت دنیای مسلمانان و منافع آنان ندارد.

گروه های جهادی تنها به آنچه شیخ نشین های خلیج می گویند و یا چیزی که 80 درصد رسانه های عربی پخش می کنند، توجه دارند. از آنجایی که "سد نهضت" که قرار است مصر و ساکنان صد میلیون نفری آن (که اغلب اهل سنت هستند) را از بین ببرد / که توسط شیخ نشینان نفتی به ویژه قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی همراه با ترکیه تامین مالی می شود، و اسرائیل نیز از دهه نود قرن گذشته بر روی این پروژه کار میکند/.

بنابراین هیچ علتی وجود ندارد تا گروه های جهادی به مسأله سد توجه کنند، چرا که آن را فراتر از محدوده منافع خود می دانند، که تنها بر روی "انجام وظیفه" یعنی درگیریهای فرقه های و مذهبی و ترویج قتل عام در میان مسلمانان به عنوان یک جایگزین برای جهاد جهت آزادی فلسطین است، توجه دارند. پروژه "سد نهضت" جنایت سرمایه داران خلیج و توطئه های اسرائیل علیه مصر و مردم آن و همه مسلمانان را به نمایش می گذارد. عادی سازی روابط خیانتی بزرگ است که متأسفانه فرماندهی آن را شیخ نشینان نفتی به رهبری عربستان سعودی به عهده گرفته تا به مسأله فلسطین پایان داده و پرچم اسرائیل را به عنوان یک دولت یهودی از اقیانوس اطلس تا خلیج (به طور موقت)، و سپس از طنجه به جاکارتا (در اولین فرصت) برافراشته کنند. همانطور که می بینیم، توجه به مسأله اسرائیل نیز جزو توجهات و منافع گروه های جهادی وهابی قرار ندارد.

نظر شیخ درباره دستگیری های خودسرانه توسط سازمان آزادی شام و سایر جنبش ها علیه مهاجران در ادلب چیست؟ به بهانه اینکه آنها مروج اندیشه تسلیم هستند؛ وظیفه ما با توجه به اتفاقاتی که در سوریه می افتد، چیست؟

جواب:

سلسله اشتباهات مکرر و انباشته در سوریه از زمانی آغاز شد که تصمیم اشتباه وارد شدن به آن جنگ را گرفتند. و اکنون ابتکار عمل از گروه های مبارز کاملاً گرفته شد و معلوم شد که آنان کمتر از (مهره های بر روی صفحه شطرنج) هستند و علناً از مصالح کشورهای دیگر نه تنها کشورهای خلیج فارس، ترکیه و اردن، بلکه با تمام وقاحت ایالات متحده و اسرائیل در منطقه محافظت می کنند.

بهتر است که جنبشهای جهادی عرصه سوریه را ترک کنند تا نیروهای اساسی خودشان به طور مستقیم به جنگ یا مذاکره بپردازند تا جلوی به هدر رفتن خون جوانان فریب خورده که در چندین سال جنگ سوریه به زمین ریخته شد را بگیریم.

– مسأله و جنایت دیگر مربوط به خانواده هایی است که آنها با خود به میدان جنگ بردند. با کدام ذهنیت و جهل، آن جنایت را انجام دادند؟ و با کدام وجدان مردم را از ترک مناطق جنگ-زده منع می کنند تا بتوانند جان خانواده های خودشان را که مجبورند در این جنگ شکست خورده کنارشان باقی بمانند را حفظ کنند؟ جنگی که با یک جنایت آغاز شد ولی با جنایات فراوان پایان می یابد...

– این سازمان ها باید در میان مسلمانان، محاکمه و تحقیر شوند. همچنین محاکمه این جنگ به شکلی انجام شود که مسلمانان از عواقب غم انگیز آن عبرت بگیرند و آن را تکرار نکنند.

در جنگ سوریه از تجربیات جنگ افغانستان و شوروی هیچ عبرتی گرفته نشد و تمام اشتباهات آن تکرار شد و فاجعه های جدیدی به آن افزوده گشت.

سوال (5) :

اسامه بن لادن، "رحمة الله علیه"، در ابوت آباد شهید شد یعنی در یک منطقه نظامی... رابطه ارتش پاکستان با القاعده یا شیخ ابو ولید چیست؟ رهبران القاعده و دستگاه رسانه ای آنها کاملاً سکوت اختیار کرده اند. انگار نه انگار که شیخ در درون زمین دشمن یعنی در اردوگاه دشمن کشته شده است. آیا ممکن است دکتر ایمن ظواهری در همان وضعیت باشد؟

جواب:

من از شرایط دکتر ایمن ظواهری آگاه نیستم، جز این که ایشان در شرایط امنیتی دشوار هستند. در زمان

جهاد علیه شوروی، و به طور خاص در جنگ جلال آباد (1989)، دستگاه اطلاعاتی پاکستان عمیقاً در آن نقش داشت (ر.ک: کتاب حماقت بزرگ). القاعده یکی از گروه های اصلی جنگ در جلال آباد بود و با فرارسیدن ماه مبارک ذیحجه آن سال، القاعده مهمترین گروه جنگ شد زیرا بقیه گروهها این منطقه استراتژیک را ترک کرده و جبهه را تقریباً خالی گذاشته بودند.

طبیعی است که القاعده بخواهد توجه پایگاه اطلاعاتی پاکستان را که از مهم ترین عنصر خارجی در جنگ افغانستان بود را به خود جلب کند. لذا با آنان ارتباط داشت و ارتش پاکستان سلاح و مهماتشان را تأمین می کرد درست مثل بقیه گروه های شبه نظامی افغان در جلال آباد. آن زمان اوج نزدیکی و ارتباط القاعده با ارتش پاکستان بود.

طبیعی است که بسیاری از رتبه داران ارتش پاکستان در آن زمان به شیخ اسامه نزدیک شوند. به اعتقاد همین مسأله بود که به وی اجازه داد تصمیم بگیرد که در سفر خود (از قندهار تا ابوت آباد) به سمت دوستان قدیمی اش در اطلاعات پاکستان سفر کند. او به نحوی موفق به یافتن پناهگاه در ابوت آباد شد که یک منطقه نظامی است و تعدادی از غیر نظامیان مرتبط با افسران ارتش در آنجا زندگی می کردند. تا پایان داستان که همه سرانجام آن را می دانیم.

سوال (6) :

آیا حمزه بن لادن و ایمن الظواهری پس از انتشار مقاله هایی توسط ابو الولید که به آنها اشاره شد، پاسخی دادند؟

جواب:

– متأسفانه، من چیزی دریافت نکردم ما امیدواریم که بازدارنده خیر باشد و برای آنها سلامتی آرزو می کنم.

سوال (7) :

آیا این امکان وجود دارد که حمزه بن لادن در حال به دست آوردن پیشرفت های جدی در میدان جهاد باشد؟

جواب :

برادر حمزه یک مرد جوان و باهوش است. اما عرصه جهاد، یک انقلاب جامع برای تجدید و بازگرداندن جریان جهادی و تعریف یک دوره جدید و فلسفه عملی و به طور کامل مبانی فکری به دور از تاثیرات

عربستان و کشورهای خلیج نیاز دارد. این انقلاب باید بر اساس فقه سنتی سنی باشد، البته میراث روشنفکری ما بسیار غنی است و هنوز وجود دارد، اما متأسفانه از آنجا که دانشگاه‌های علمی در جهان اسلام تحت تاثیر دلار خلیج و ارگان‌های امنیتی بین‌المللی قرار دارند این میراث یک تقلید کورکورانه است.

یک شخصیت جهادی نیاز به انقلاب فکری و فرهنگی دارد. یک مجاهد عرب اغلب در مورد واقعیت‌های جهان و حتی تاریخ دارای اطلاعات محدود و اندکی است، که عنوان یک شهروند عادی نیز لایق او نیست، چه رسد به مبارز آزادی و روشنگری.

من فکر می‌کنم که سطحی کردن دانش مجاهدان عرب عمدی است تا بتوانند کنترل او را در اختیار خود قرار دهند. یک فرد هرچقدر هم که با استعداد باشد کافی نیست و برای انجام اصلاحات نیازمند تلاش‌های بزرگ و طولانی مدت هستیم که باید توسط گروهی از پیشگامان در زمینه‌های مختلف اتفاق بیافتد. یک تلاش جمعی در فرصت زمان مناسب.

سوال (8) :

تا زمانی که حامیان انقلابیون در شامات، کشورهای هستند که روابط طبیعی با رژیم صهیونیستی دارند، به این معنی است که انقلابیون یا جنبش‌های جهادی و اسلامی چیزی جز ابزار دست رژیم صهیونیستی نیستند. شیخ آیا استثنائاتی وجود دارد یا نه؟ لطفاً به نمونه‌های تاریخی از تجربیات خود در مورد حمایت از گروه‌ها و یا انحرافات آنان بنویسید.

جواب :

با توجه به اطلاعاتم تنها جنبش مستقل در جهان اهل سنت طالبان در افغانستان است که وابسته به نیروهای خارجی نیستند و علت این مسئله محاصره‌ای است که حتی قبل از حمله آمریکا به افغانستان بر آنان تحمیل شده بود. البته تعدادی از حکومت‌های نفتی خلیج سعی در نفوذ و تاثیر گذاشتن بر رهبری این جنبش داشتند که بی نتیجه ماند. لذا محاصره‌ای که بر جنبش طالبان تحمیل شد دارای منافع زیادی نیز بود. (شاید از چیزی متنفر باشید ولی آن برایتان خیر باشد) **عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم. سوره بقره: آیه 216**

– اما در مورد ایجاد انحراف در جنبش‌های اسلامی (جهادی)، آغاز آن در اخوان المسلمین با مرگ بنیانگذار جنبش، شیخ حسن البنا، و دخالت دولت و کاخ سلطنتی در مهم‌ترین مسائل سازمانی و رهبری جنبش یعنی تعیین رهبر جدید این جنبش بود. پس از آن عده‌ای از رهبران جنبش به سمت شیخ نشینان نفتی در خلیج فارس فرار کرده و تغییرات در پایه‌های عقیدتی، سیاسی و مالی که شیخ‌ها آنها را به طور کامل به آنان تحمیل می‌کردند، آغاز شد. و این امر تا به امروز در همه جنبش‌های جهادی سلفی

ادامه دارد.

یکی از این جنبشها، جنبش مجاهدین افغان بود که مهمترین اعضای رهبریش از اخوان بوده و از حمایت پاکستان و عربستان سعودی و موافقت ایالات متحده آمریکا بهرمنند بودند. آمریکا منبع همه حمایتها و هزینه است که همیشه این هزینه از جیب متحدان نفتی او فراهم می شود.

در مورد ابزارهای انحراف باید گفت که در اغلب موارد ابزارها ثابت هستند: وعده اعطای اعتبار، نفوذ و شهرت برای جذب رهبران؛ استفاده از پول برای خرید وفاداری و دریافت مطالبات، چه در رهبران و یا رده های پایین تر؛ استفاده از کمک در خرید اسلحه سازمانها یا رهبران و مقامات ارشد ارتش. سلاح یعنی قدرت، نفوذ، غرور و شهرت. پول نیز ممکن است به این معنی باشد زمانی که سلاح و تجهیزات خرید و فروش شود. این اتفاق در افغانستان در داخل سازمان ها و حتی درون رهبران میدانی جنگ به دلیل نیاز به پول برای خرید اقلامی غیر از اسلحه مانند غذا و لباس و یا فقط برای فساد و خرید املاک و تجارت در خارج از کشور رخ داده است.

گسترش عرضه اسلحه های فردی کوچک به منظور افزایش تعداد مسلحین در داخل کشور و تبدیل شدن آنها به گروه های مسلحانه در داخل علیه غیرنظامیان و یا تبدیل شدن آنان به مهره های طرفی از جنگ که پول بیشتری پرداخت کند، حتی اگر خود دشمن باشد. پس از آزادی (در افغانستان پس از شوروی)، کل کشور به دلیل گسترش سلاح به صحنه جنگهای مسلحانه و فعالیت باندهای مسلح و هرج و مرج و خونریزی تبدیل شد که میدان را برای فعالیت مزدوران و جنایتکاران مسلح یا هر نوع نفوذ خارجی باز کرده است.

این امر تا زمان ظهور جنبش طالبان ادامه یافت تا اینکه طالبان با کمک و حمایت مردم و علما توانست همه این فساد را با سرعت زیاد از بین ببرد که در این مسأله بصیرت دینی مردم، یکپارچگی و وحدت، و عدالت قاطع در اجرای حدود شریعت نقش عمده ای ایفا کرد. وضعیت سیاسی در حال سامان گرفتن بود تا زمانی که تجاوز آمریکا در سال 2001 اتفاق افتاد.

“مبارزه با تروریسم” یک اصطلاح عجیب است که در معنای واقعی همان گسترش و ترویج تروریسم توسط قدرت های جهانی است تا بتواند منافع شرکت های بزرگ و بانک های یهودی را که بدون هیچ گونه اغراق، اقتصاد جهان را در دست گرفته اند، حفظ کنند.

یکی از مهمترین نمونه های انحراف در جنبشهای جهادی، همان چیزی که از زمان تشکیل “فتح” در اواسط دهه شصت میلادی بر سر سازمان های جهادی فلسطین آمد، و سپس ظهور یک جناح سیاسی جدید در حوزه مقاومت که همان حماس است.

اینبار ترامپ آمده تا مسأله فلسطین را (یک بار و برای همیشه) حل کند. اما چیزی که دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد این است که فلسطین به جایگاه اصلی و طبیعی بازخواهد گشت.

مسأله ای که باعث وحدت تمام مسلمانان شرق و غرب بر هدفی واحد که همان جهاد برای آزادی فلسطین و دیگر اهداف محوری مانند استقلال، حاکمیت ملی، وحدت، اقتصاد عادلانه و نظام سیاسی

درست که منجر به احیای دین و قانون فقه و فعالیت انقلابی و ساخت انسان متمدن و آزاده با شعار “رحمتی برای جهانیان” نه “برای کشتن آمدیم” خواهد شد.

سوال (9) :

چرا و چگونه اخوان المسلمین از مسیر درست خارج شدند؟ آیا تمام شاخه های اخوان المسلمین، از جمله سوریه، مانند اخوان افغانستان و مصر هستند؟

جواب:

هدف عالی اخوان المسلمین احیای خلافت اسلامی بود. پس از سقوط امپراتوری عثمانی در سال 1924، برای اولین بار در تاریخ مسلمانان خود را بدون یک دولت واحد دینی یافتند. این جنبش با رهبری شیخ حسن البنا موفق شد با آموزه های اخلاقی، عقیدتی و دینی خود، مخاطبان گسترده ای خصوصاً از قشر جوان را که در دوره فروپاشی اخلاقی مصر بسر می بردند به سمت خود جذب کند. اما زمانی که این گروه به سیاست پیوست، دستاوردهای خود را تباه کرد. آن زمان بود که بنیانگذارش فهمید جنبشش آموزش سیاسی را برای کادر جوانش فراهم نمی کند، و خود او نیز درگیر دسیسه سیاستمداران، اعم از سیاسیون دربار یا احزاب و یا مستعمران انگلیسی شد. پس از مجاهدتهای شجاع و جوانمردانه اخوان در فلسطین با بازی بسیاری از سیاستمداران دست نشانده استعمار، مجاهدین اخوان در جبهه ها دستگیر و به زندان های سینا و مصر فرستاده شدند و در پایان در 12 فوریه 1949 شیخ ترور شد.

اگر ما به این بیوگرافی کلی نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که ویژگی های مشابه به نسل های فعلی مجاهدین سلفی نیز به ارث رسیده است. تعبد و پایبندی به اخلاق ولی متاسفانه همراه با جهل به مسائل سیاسی که منجر به سهل انگاری، سواستفاده، انحلال، تعقیب و گریز مجاهدین و در پایان شکست می شود. این فرایند بارها و بارها تکرار می شود اما کسی نیست که عبرت بگیرد. نابودی اخوان المسلمین توسط جمال عبدالناصر و ظلم و استبدادش نبود، بلکه پناه بردن آنان به شیوخ نفتی عرب باعث نابودیشان شد.

جنبش بین المللی اخوان المسلمین، با رویکرد سلفی در ظاهر اما در اصل با خواسته های غربی (استعماری)، (از زمان جهاد در افغانستان 1980 تا سوریه در سال 1980، و دوباره سوریه در سال 2013، سپس بهار عربی مصر 2011 و تخریب یمن در سال 2015) به اشتباهات خود ادامه می دهد.

جنبش حماس در فلسطین که به جای جهاد واقعی کماکان در حال مذاکره و التماس کردن است و تا کنون نتوانسته بازی سیاسی را بفهمد. در کنار او اخوان المسلمین سوریه که چند درجه از اخوان مصر بدتر هستند. از دهه هشتاد میلادی تاکنون به عملکرد آن توجه کنید. آنها با هر تلاشی “جدی” و پروژه ای جدید، همانند سازمان های جهادی سلفی دیگر، فاجعه ای بزرگ به همراه دارند. مسیر جهادی آنان

بهترین شاهد بر این مطلب است.

از جهاد در اوایل دهه 1980 تا جهاد سال 2003 جوهر و ماهیتشان هیچ تغییری نکرده. آنان بر هر موجی سوار شدند تا منافع خود را تأمین کنند حتی اگر موج را کس دیگر به حرکت درآورده باشد. (توجه داشته باشید که آنها در قیام ماه ژانویه در مصر هم همین کار را انجام دادند و قیام را به عربستان سعودی و خواهران نفتی اش فروختند). یکی از رهبران ارشد اخوان مصر که در دهه 1980 در عملیات نظامی اخوان سوریه شرکت کرده بود، روزی به من چنین گفت: «اخوان سوریه، بازرگانان ماهری هستند...»

سوال (10) :

القاعده و یا هر سازمان جهادی دیگر فقط برای مسلمانان فاجعه هستند... و از طرف دیگر طالبان تنها جنبشی است که خیرات خود را به امت اسلامی عرضه می کنند؟؟؟ آیا این معادله عجیب و غریب نیست؟

جواب:

بله واقعیت این است. ما امیدواریم که همه مسیر اشتباه خود را اصلاح کنند. اگر ما بخواهیم خیر طالبان را به ملت بررسی کنیم، باید تاریخ جهادی آنان (از سال 1994 تا 2018) با تاریخ القاعده، سلفیهای جهادی، وهابیت وحشی و داعش خونین مقایسه کنیم، که برای مسلمانان چیزی جز تخریب و ویرانی و شکست نداشتند.

اول باید حقیقت را بشناسیم، سپس استبداد و خود رأیی و همچنین بی تفاوتی نسبت به اوضاع امت اسلامی را کنار گذاشته و یکی از دو راه را انتخاب کنیم: یا اصلاح اساسی و ریشه ای این سازمان ها، یا اینکه امت اسلامی خود یک فرمول جدید جهادی که مانع تکرار اشتباهات قبلی از زمان شیخ حسن البنا تا عراق و سوریه باشد، ارائه دهند.

نوشته:

مصطفی حامد - ابو ولید مصری

منبع:

سایت سیاسی مافا (ادبیات ممنوعه)

www.mafa.world/fa



مافا السياسي

www.mafa.world



@Mafa_World



@WWWMAFAWORLD